

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۶۳

۲۴ شهریور ۱۳۹۶ / ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷

حقوق ما

«ماده ۹۱» و اعدام نوجوانان



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: فیروزه رمضان زاده، میلاد پور عیسی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست



چهار سال پس از «ماده ۹۱»؛ آیا اعدام نوجوانان

کاهش یافته است؟

گفت‌وگو با رها بحرینی و محمود امیری مقدم



شیرین عبادی: لغو اعدام کودکان باید نامشروط باشد



قانون مجازات اسلامی و بی‌توجهی به کنوانسیون

بین‌المللی حقوق کودک



قانون مجازات اسلامی جدید؛

سایه اعدام و قصاص همچنان بر سر نوجوانان



نعمت احمدی: تجربه قضات دیوان‌عالی، دلگرمی ماست



سه شعر از مهتاب خرمشاهی

چهار سال پس از «ماده ۹۱»: آیا اعدام نوجوانان کاهش یافته است؟

گفت‌وگو با رها بحرینی و محمود امیری مقدم



کامبیز غفوری

تغییراتی که در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی پدید آمد، این امید را برای مدافعان حقوق بشر نیز به همراه داشت که به استناد ماده ۹۱ آن، تغییری عمده در مسأله صدور اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال پدید آید و با اعاده دادرسی، احکام اعدام صادرشده در سال‌های پیش از ۱۳۹۲، نقض شود.

در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی آمده است: «در جرائم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.» این ماده، تبصره‌ای نیز دارد که قید می‌کند «دادگاه

برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.» اما حال، پس از گذشت چهار سال از تصویب قانون، امید کنش‌گران حقوق بشر به تغییر چشمگیر در اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال با کمک ماده ۹۱، تا چه حد به حقیقت پیوسته است؟ مجله «حقوق ما» نظر رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل در امور ایران و محمود امیری مقدم، سخن‌گوی سازمان حقوق بشر ایران را جویا شده است.

محمود امیری مقدم درباره این قانون به مجله «حقوق ما» می‌گوید: «در سال ۲۰۱۳، در واقع پس از سال‌ها فشار بین‌المللی، این قانون اجرایی شد. سال‌ها بود که می‌خواستند قانون مجازات اسلامی پیشین را به‌روز کنند. آن قانون، اشارات اندکی به مورد نوجوانان بزهکار و مسأله اعدام داشت، در حد دو بند که سن پسر را ۱۵ سال قمری و دختران را هم ۹ سال قمری تعیین کرده بود. بعدها به خاطر فشارهای بین‌المللی و فشارهای جامعه مدنی در داخل ایران، یک سری بندهای جدید به آن اضافه شد و در سال ۲۰۱۳ هم، همین قانون که به ماده ۹۱ مشهور شده، اضافه شد.»

امیری مقدم می‌افزاید: «اگر از تفسیر حقوقی‌اش بگذریم، در عمل، وقتی ادامه روند اعدام‌های نوجوانان را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توانیم ارزیابی کنیم آیا این قانون مسأله اعدام نوجوانان را بر اساس قوانین بین‌المللی، جواب می‌دهد یا نه. آمارها نشان می‌دهند که در عمل تعداد اعدام نوجوانان پایین نیامده. برای مثال، امسال تا این لحظه، ما حداقل چهار متهم نوجوان داشته‌ایم که اعدام شده‌اند. در مورد یکی از آنها، علیرضا تاجیکی، می‌دانیم که با وجود تسلیم درخواست اعاده دادرسی از جانب وکیل او، این درخواست مورد قبول قرار نگرفت.»

رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل در امور ایران، همین نظر را دارد. او به مجله «حقوق ما» می‌گوید: «این قانون امیدواری‌های زیادی را در میان وکلای حقوق بشر و فعالان حقوق کودک ایجاد کرده بود که بالاخره وضعیت محکومان نوجوان که تحت حکم اعدام قرار گرفتند، حل شود و از مجازات اعدام رهایی پیدا کنند. اما متأسفانه با گذشت

چهار سال، تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که مقام‌های قضایی ایران هیچ قصد جدی برای توقف مجازات اعدام علیه محکومان نوجوان را ندارند.»

بحرینی می‌افزاید: «خود این قانون مجازات جدید، با استانداردهای بین‌المللی و تعهدات ایران تحت کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، فاصله بسیار چشم‌گیری دارد زیرا این قانون همچنان به قضاات اجازه می‌دهد تا مجازات اعدام را علیه افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند، صادر کند. این در حالی‌ست که طبق قوانین بین‌المللی، هیچ‌وقت برای افراد زیر ۱۸ سال نباید مجازات اعدام صادر شود و چنین اختیاری تحت هیچ عنوانی نباید به قضاات یا نظام قضایی داده بشود.»

امیری مقدم نیز چنین نظری دارد. او تأکید می‌کند: «ایران امضاءکننده کنوانسیون حقوق کودک و چند کنوانسیون دیگر است که خیلی واضح نوشته‌اند که سن کیفری باید ۱۸ سال تمام باشد. در کل، این ماده جدید، در واقع مسوولیت را بر عهده قاضی می‌گذارد که آیا یک نوجوان از نظر ذهنی بلوغ کافی داشته یا خیر؟ در صورت این‌که قاضی در مورد بلوغ به نتیجه برسد، کماکان می‌تواند حکم اعدام برای یک نوجوان صادر کند و این، خود نقض پای‌بندی‌های بین‌المللی ایران است.»

امیدواری‌های اولیه به اثرگذاری قانون، به یأس تبدیل شدند

بسیاری از فعالان حقوق بشر اعتقاد دارند که تصویب این قانون، تنها تلاشی در جهت کاهش فشارهای بین‌المللی بر ایران به دلیل اعدام نوجوانان است. پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل در امور ایران، در این‌باره تصریح می‌کند که «از همان ابتدا، مقام‌های قضایی ایران تلاش کردند تا قانونی را که فوق‌العاده با قوانین بین‌المللی فاصله دارد، به عنوان یک بهبود در نظام کیفری اطفال و نوجوانان در ایران جلوه دهند و از این جهت، این قانون جای تقدیر و ستایش ندارد.» لیکن او می‌افزاید که «با توجه به این‌که قانون جدید این اختیار را به قضاات داده بود که در بعضی موارد مجازات اعدام را با مجازاتی دیگر جایگزین



در ایران در انتظار اعدام هستن و ما می‌دانیم که حکم اعدام، بعد از نصب این قانون نیز، برای کسانی که زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شده‌اند، صادر می‌شود.»

اما حتی خوش‌بینی اندک اولیه، چندان دوام نداشتند. امیری مقدم به ایرادها در اجرای قانون اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی این قانون مطرح شد ما فکر می‌کردیم که با این نوجوانان، یک روان‌شناس یا فردی متخصص صحبت می‌کند و یک گزارش کارشناسی درباره این افراد می‌دهد اما این‌طور نیست. فقط با طرح چند سوال به این نتیجه می‌رسند که فرد بلوغ ذهنی داشته است.»

رها بحرینی نیز بر مبنای «تحقیقات وسیع عفو بین‌الملل در این باره»، می‌گوید: «در بسیاری از پرونده‌ها به‌خصوص در شهرستان‌ها، قضات از این اختیارشان به نفع محکومان نوجوان استفاده نکردند و بعد از اعاده دادرسی‌هایی که بر اساس ماده ۹۱ قانون مجازات جدید صورت گرفته، باز هم حکم اعدام صادر کردند. بعضاً هم در این دادرسی‌های مجدد، بررسی مسأله رشد و کمال عقلی به شکل خیلی خودسرانه و سلیقه‌ای توسط قضات انجام شده است.»

وقتی مرگ و زندگی نوجوان، منوط به چند سوال می‌شود
هر دو مصاحبه‌شونده، به پرونده فاطمه سالبهی اشاره می‌کنند که در ۱۷ سالگی به اتهام قتل همسرش، محاکمه و به اعدام محکوم شده بود. مقام‌های قضایی در سال ۱۳۹۲ و پس از اجرایی شدن قانون جدید مجازات اسلامی، تجدید دادرسی در پرونده او موافقت کردند. با این حال، این متهم دوباره به اعدام محکوم شد و حکم او در مهرماه ۱۳۹۴ به اجرا در آمد. رها بحرینی درباره پرونده سالبهی می‌گوید که قاضی «با اتکاء به چند سوال که آیا نماز می‌خوانده، قرآن می‌خوانده و می‌دانسته که قتل یک انسان نادرست است یا خیر؟ تشخیص داد که این دختر در زیر سن ۱۸ سالگی عواقب عملش را می‌فهمیده و حکم اعدام صادر کرد.»

امیری مقدم نیز به انتشار این پرسش‌ها در سایت سازمان حقوق بشر ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «قضات با یک سری سوال‌های ابتدایی مانند این‌که آیا حرام بودن قتل را می‌فهمیدی؟ کتاب قرآن می‌خواندی؟ مطالعات دینی داشتی؟ تشخیص دادند که این دختر که در ۱۷ سالگی مجبور به ازدواج اجباری شده، پیامدها و ماهیت قتل همسرش را می‌فهمیده و رشد و کمال عقلی داشته است.» به گفته او: «این تنها یک نمونه است. یعنی هیچ تضمینی وجود ندارد که کسانی که زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شدند، این قانون کمک‌شان کند. یعنی خیلی به طور بی‌رویه از آن استفاده می‌شود.»

با همین قانون هم کار کنیم، معیار تشخیص رشد کمال عقلی کاملاً نامشخص و به عهده قضات است. در بعضی موارد، قضات از پزشکی قانونی نظر خواسته‌اند، و پزشکی قانونی هم اتفاقاً به نظر می‌آید که معیارهای مشخصی در سرتاسر کشور ندارد. در بعضی موارد پزشکی قانونی گفته است که چون سال‌ها از زمان وقوع جرم گذشته، امکان بررسی رشد کمال عقلی این فرد در زمان وقوع جرم را نداریم. برخی موارد گفته از نظر ما این فرد رشد کمال عقلی نداشته، اما وقتی به مرحله دادگاه رسیده، قاضی گفته است که این نظر، جنبه الزام‌آور برای دادگاه ندارد و خود قاضی تشخیص داده که فرد در زمان نوجوانی، رشد کمال عقلی داشته است.»

بحرینی، پرونده آمانج ویسی را مثال می‌زند و می‌گوید: «پزشکی قانونی گواهی داد که او رشد و کمال عقلی نداشته، اما دادگاه این نظر را رد کرد و گفت آزمایش‌هایی که الان انجام شده، نمی‌تواند حقیقت گذشته را معلوم کند و این نظرات تخصصی سازمان پزشکی قانونی، فقط جنبه راهنما دارد و برای دادگاه الزام‌آور نیست.»

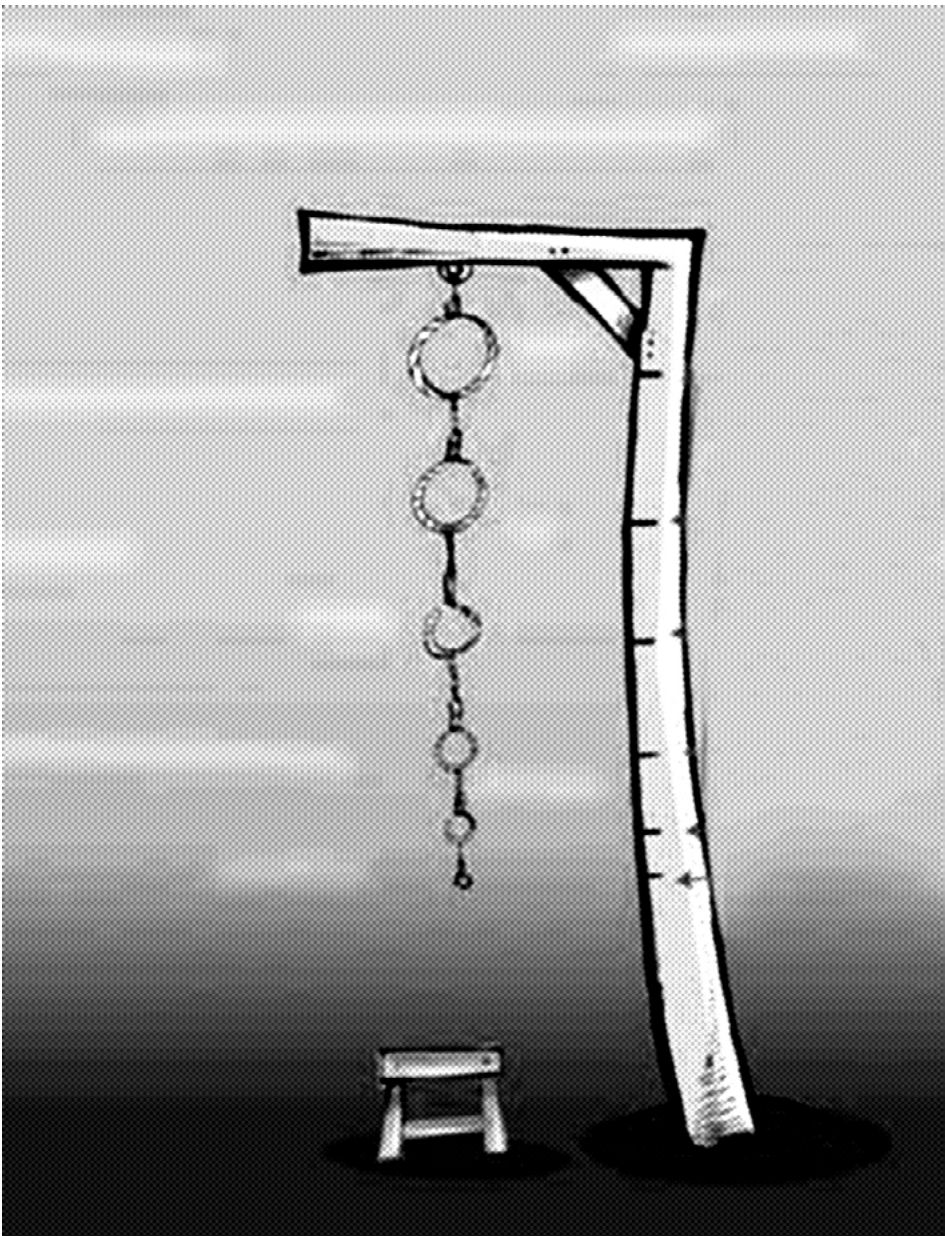
بحرینی می‌افزاید: «در مواردی هم قضات مسأله رشد و کمال عقلی را با صحت و سلامت عقل، اشتباه گرفته‌اند و بحث این‌که این فرد معلول ذهنی نبوده و یا دیوانه نبوده را مبنا قرار دادند که بگویند آگاهی داشته به اعمالش و شایسته مجازات اعدام است. این رویکرد کاملاً بر خلاف اصول ابتدایی کیفری اطفال و نوجوانان است زیرا داریم در مورد این صحبت می‌کنیم که با یک نوجوان به دلیل پایین‌بودن سنش، هرگز نباید مانند یک بزرگ‌سال برخورد شود. این ربطی به معلولیت و بیماری ذهنی یا بیماری‌های روانی ندارد و این دو موضوع در بسیاری از پرونده‌ها با همدیگر خلط شده‌اند.»

محمود امیری‌مقدم می‌گوید: «این نحوه اجرا، قانون را هم لوث کرده؛ چون خیلی سلیقه‌ای این قانون را اجرا می‌کنند و تأثیر آن‌چنانی در آمار اعدام نوجوانان نداشته و به نظر سازمان حقوق بشر، راه حل این مسأله یک ماده جدید نیست بلکه قانون به طور کلی باید تغییر کند و سن مجازات کیفری باید به همان ۱۸ سال تغییر پیدا کند.»

بحرینی معتقد است که «قضات ایران و پزشکی قانونی ایران، باید به این درک برسند که تمام افراد زیر ۱۸ سال، در واقع آن رشد ذهنی و تسلط به اعمال را که یک بزرگ‌سال دارد، ندارند. این امر، موضوعی پذیرفته شده در تمام اسناد علمی در سطح بین‌المللی است و همین دریافت‌های علمی بوده که مبنای ممنوعیت استفاده از مجازات اعدام را -که مجازاتی برگشت‌ناپذیر است- در خصوص نوجوانان، قرار گرفته است. الان رویکرد دادگاه‌ها و حتی رویکرد پزشکی قانونی به این

عدم صراحت آن است که دست قاضی را برای تفسیر به رأی، باز می‌گذارد. سخن‌گوی سازمان حقوق بشر ایران، در این باره گفت: «کلاً قوانین جمهوری اسلامی به شکلی است که به قاضی اختیارات خیلی زیادی داده می‌شود. حتی وقتی ماده قانونی به تصویب می‌رسد، این را برعهده قاضی می‌گذارند. این‌طور نیست که الزاماً تمام کسانی که زیر سن ۱۸ سال مرتکب جرم شدند و مجازات اعدام گرفتند، ماده جدید در موردشان اجرا شود. حتی مواردی بوده که وکیل درخواست کرده و مورد قبول قرار نگرفته؛ و این یکی از ضعف‌های بزرگ سیستم قضایی جمهوری اسلامی است. قضات بالطبع ضعف‌هایی دارند که باعث می‌شود قانون آن‌طور که باید اجرا نشود.»

رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل نیز معتقد است که «در وهله اول قضات نباید اصلاً این اختیار اِصدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال را داشته باشند، اما اگر بخواهیم



به گفته بحرینی، استدلال‌های مشابه پرونده فاطمه سالبهی، در بسیاری از پرونده‌های دیگر هم ثبت شده. او به پرونده «علیرضا تاجیکی، آمانج ویسی، بهنام تابع خلیلی، حمید احمدی، رسول حلومی، سامان حیدری، سجاد سنجرى، هیمن اورامی نژاد و یوسف محمدی» اشاره می‌کند و می‌گوید این‌ها فقط یک سری از پرونده‌ها هستند که اعاده دادرسی بر اساس ماده ۹۱ انجام شده و قاضی دوباره رأی داده که رشد کمال عقلی وجود داشته است. اما بر مبنای اطلاعات عفو بین‌الملل، دست کم ۲۱ نفر بعد از تصویب قانون جدید، حکم اعدام گرفتند و به گفته بحرینی، «قطعاً تعداد واقعی نوجوانان محکوم به اعدام، خیلی بیشتر از این است.»

ضعف قانون و اختیارات وسیع قاضی

به گفته محمود امیری مقدم، یکی از ایرادهای قانون جدید،

از یک فرد کارشناس برای تشخیص بلوغ عقلی. البته اگر این‌ها را هم می‌خواست، کافی نمی‌بودند اما همین حداقل‌ها را هم نمی‌خواهد.»

رها بحرینی نیز با اشاره به این که در چند مورد، درخواست اعاده دادرسی اصلاً پذیرفته نشده، پرونده‌های «پیمان برانداح، محمدرضا حدادی و مهدی بهلولی» را مثال می‌آورد و می‌گوید: «در این سه مورد اصلاً دیوان عالی، درخواست اعاده دادرسی را دیوان نپذیرفت. البته این‌ها موارد استثناء هستند و به طول کلی به نظر می‌آید که در اکثر موارد، درخواست اعاده دادرسی از سوی دیوان پذیرفته شده اما همان‌طور که گفتم، بعد از اعاده دادرسی مجدداً حکم اعدام صادر شده است.»

اعدام نوجوانان از دریچه آمار سازمان‌های مدافع حقوق بشر

امیری مقدم با اشاره به گزارشی که سازمان حقوق بشر ایران در ماه فوریه منتشر کرد، می‌گوید که بر اساس اطلاعات دادگاه عمومی و انقلاب تهران، حکم شش نوجوان محکوم به قصاص، نقض شد و مشمول همین ماده ۹۱ شدند.» با این وجود، او می‌گوید: «وقتی به آمار نگاه می‌کنیم، برای مثال، در سال ۲۰۱۴ که یک سال بعد از تصویب این قانون بود، ما بالاترین آمار اعدام نوجوانان را در ۲۵ سال گذشته داشتیم، یعنی در یک سال، دست‌کم ۱۴ نفر، بر اساس برخی گزارش‌ها ۱۷ نفر اعدام شدند، به خاطر جرایمی که زیر ۱۸ سالگی مرتکب شده بودند. درباره بعضی از این نوجوانان، اعاده دادرسی مورد قبول قرار گرفته بود ولی تأثیری در حکم نکرد. در یکی از این موارد، کل اعاده دادرسی خلاصه شده بود به چند سوال از متهم، سوالاتی که شاید ربط آن‌چنانی هم نداشته باشند. در سال جدید، ۲۰۱۷، ما حداقل هفت نفر را داریم که نجات پیدا کرده‌اند. هفت نفر در امسال و در سال ۲۰۱۶، ما شش نفر را داریم.»

او می‌افزاید: «هرچند این ماده قانونی به نوجوانانی کمک کرده، اما مسأله اعدام نوجوانان حل نشده است. آمارها هم نه تنها پایین نرفته، بلکه اگر چهار سال گذشته را با چهار سال پیش‌تر از آن مقایسه کنیم، بالاتر هم رفته است.»

رها بحرینی، به آمار سازمان عفو بین‌الملل اشاره می‌کند و می‌گوید: «در سال ۲۰۱۵، عفو بین‌الملل ۴ مورد و در سال ۲۰۱۶ دو مورد را ثبت کرد، ولی بقیه سازمان‌ها تا هفت نفر را ثبت کردند. ما فقط عددمان کمتر بود چون نتوانستیم از طریق گواهی تأیید کنیم اما دلیلی ندارد که گزارش سازمان‌های دیگر اشتباه باشند. حتی به نظر می‌رسد که رقم واقعی خیلی بالاتر

از این حرف‌هاست.»

او می‌گوید: «در حال حاضر اسم و محل نگه‌داری دست‌کم ۹۲ فرد را که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند، در دست داریم اما باز هم این رقم دائماً تغییر می‌کند و رقم واقعی بسیار بیش از این‌هاست.» پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل درباره اثر قانون جدید بر کاهش اعدام‌ها می‌گوید: «ما کاهش ویژه‌ای ندیدیم. به هر حال عدد اعدام‌ها در طی سال‌ها بالا و پایین بوده، یعنی سال‌های قبل از تصویب قانون هم بوده که تعداد سه، چهار یا پنج باشد. ما این بالا و پایینی را در بعد از حذف مجازات هم دیدیم. با توجه به مجموعه تحقیقات ما، می‌توانم بگویم که کاهشی وجود نداشته است. مثلاً این‌طور نیست که بگوییم قبلاً ۱۰ تا ۱۵ مورد بوده و حالا به چهار مورد کاهش پیدا کرده است.»

جان این نوجوانان به اطلاع‌رسانی وابسته است

رها بحرینی، به موضوع اطلاع‌رسانی اشاره می‌کند و آن‌را نوجوانان محکوم به اعدام، امری حیاتی می‌داند. او با اشاره به این‌که «گاهی اوقات از رسانه‌های رسمی، یک‌دفعه مطلع می‌شویم که یک متهم که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال داشته، اعدام شده است»، می‌گوید مواری بوده که «هیچ‌کس نه اسمش را می‌دانست و از پرونده اطلاع داشت. بنابراین، می‌شود این باور را داشت که خیلی از این نوع پرونده‌ها در گوشه و کنار کشور وجود دارند که ما از آن‌ها مطلع نیستیم. این‌طور که تا الان تجربه ما نشان می‌دهد، تا زمانی که اسم این افراد عمومی نشود، می‌روند به سمت اعدام و اعدام هم اجرا می‌شود. به نوعی، الان جان و زندگی این بچه‌ها وابسته به اطلاع‌رسانی گسترده جهانی است که باعث می‌شود تا در آخرین ساعات، اعدام‌ها متوقف شود. وگرنه در خفا مانند مورد حسن افشار در سال گذشته، یا صمد ذهبی در سال پیش‌تر، این اعدام‌ها در کشور انجام می‌شوند.»

درخواست عفو بین‌الملل و سازمان حقوق بشر ایران از حکومت ایران

محمود امیری مقدم، سخن‌گوی سازمان حقوق بشر ایران، می‌گوید که خواسته سازمان متبوعش از حکومت ایران، «این است که همه احکام اعدام متهمین زیر ۱۸ لغو شوند و این افراد با توجه به سن‌شان و بر اساس قانون بین‌الملل و تعهدات بین‌المللی ایران، دوباره محاکمه شوند. این، ملزم تغییر اساسی در قانون مجازات اسلامی است. تا قبل از تغییر قانون هم همه احکام اعدام متهمان زیر ۱۸ سال باید متوقف شوند.»

همچنین به گفته رها بحرینی، عفو بین‌الملل از مقام‌های ایران، در واقع از نمایندگان مجلس، دائماً درخواست کرده که ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی را مورد اصلاح قرار دهند، آن‌را با تعهدات بین‌المللی ایران هماهنگ کنند و مجازات اعدام را برای تمام افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند، مطلقاً ممنوع کنند.

بحرینی می‌افزاید: «تا زمانی که این اصلاح صورت بگیرد، امکاناتی وجود دارد برای سیستم قضایی کشور که این معضل را حل کند. برای مثال، اگر واقعاً اراده‌ای از سوی مقام‌های قضایی ایران برای حل این موضوع وجود داشت، می‌توانستند برای تمام دادگاه‌ها در سراسر کشور، دادستانی‌ها، بخش‌نامه صادر کنند و آن‌ها را با توجه به قوانین بین‌المللی، متوجه کنند که از همین اختیاری که طبق ماده ۹۱ به دادگاه‌ها داده شده، به نفع محکومان نوجوان استفاده شود. این اتفاقی است که تا به حال نیفتاده است.»

پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل در امور ایران، ادامه می‌دهد: «با وجودی که مقام‌های قضایی ایران به کمیته حقوق کودک سازمان ملل گفتند که ما جلسه‌های آموزشی برای قضات داشتیم، اصلاً مشخص نیست که این‌ها چه نوع جلسات آموزشی بوده‌اند و تا چه حد انجام شده‌اند و محتوای‌شان چه بوده که باز هم قضات با این بررسی‌های کاملاً غیرعلمی و سلیقه‌ای، یک‌سری بچه‌ها را می‌گویند که رشد و کمال عقلی داشته‌اند و یک‌سری را می‌گویند که نداشته‌اند. اگر اراده‌ای برای حل این معضل وجود داشت، در واقع می‌بایست به تمام دادگاه‌ها این توصیه جدی –حتی اگر نه دستور– داده می‌شد که پرونده هر نوجوان را که به دادگاه می‌آید، به نوعی مورد بررسی و دادرسی مجدد قرار دهند که موضوع تفاوت عقلی یک فرد زیر ۱۸ سال با بزرگ‌سال، در آن رعایت شود.»

او می‌افزاید: «متأسفانه این کار تا به حال انجام نشد و زمانی که پرونده‌های محکومان نوجوان، بین‌المللی می‌شود، مقام‌های قضایی ایران طوری جلوه می‌دهند به سازمان ملل که انگار آن‌ها هیچ نقشی ندارند و تمام تلاش خود را برای میانجی‌گری و حل موضوع از طریق بخشش و دیه‌دادن کرده‌اند، اما در نهایت این مسوولیت بر عهده خانواده مقتول است. این کاملاً بر خلاف واقعیت است چون دادگاه بوده که در ایران در وهله اول حکم اعدام را صادر کرده و دادگاهی که اتفاقاً از زمان تصویب قانون جدید مجازات اسلامی این اختیار را داشته که حکم اعدام را صادر نکند. بنابراین این ادعای مقامات که مسوول نیستند و این مسوولیت بر عهده خانواده‌هاست، کاملاً غیر قابل قبول است.»

شیرین عبادی: لغو اعدام کودکان باید نامشروط باشد



میلاد پورعیسی

بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، به دادگاه‌های اجرای احکام اختیار داده تا پرونده محکومان قطعی زیر ۱۸ سال سن را که مدعی شمول ویژگی‌های ماده ۹۱ همین قانون مجازات می‌شوند، برای تبدیل مجازات به شعب تجدید نظر بازگردانند. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند که اگر مرتکب به قتل، کمتر از ۱۸ سال داشته و از حرمت جرم در زمان وقوع آن، آگاهی نداشته باشد، می‌تواند از قصاص معاف شود.

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۳، یعنی کمتر از یک سال پس از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، به دادگاه‌های اجرای احکام دستور داد تا این روند را برای محکومان قطعی که حکم‌شان پیش از سال ۹۲ صادر شده است، اجرا کنند.

با این وجود، گزارش‌های فراوانی از خلل در رویه اجرای حکم لازم‌الاتباع دیوان عالی کشور از زمان صدور آن تا امروز، منتشر شده است.

شیرین عبادی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری، در گفت‌وگو با حقوق ما درباره دلایل بروز این امر، با بیان این که «ماده ۳۷ میثاق‌نامه جهانی حقوق کودک، به صراحت تأکید کرده که «مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد»، گفت که «دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۷۲ کنوانسیون حقوق کودک را به تصویب رسانده است. این به معنای آن است که از آن تاریخ می‌بایست اعدام کودکان زیر ۱۸ سال با هر اتهامی و به هر نحوی در این سیستم قضایی لغو می‌شد. در حالی که نظام قضایی حاکم بر ایران، با استناد به سن بلوغ ۱۵ سال برای مردان و ۹ سال برای زنان، از اجرای قانون سر باز می‌زند.»

این حقوق‌دان افزود: «در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید، در خصوص جرائم موجب حد و قصاص افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال آمده که اگر مرتکب، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکند، به دیه و مجازات محکوم می‌شود. این به معنای آن است که معافیت از قصاص، بر خلاف تأکید کنوانسیون جهانی حقوق کودک، که آن را بلاشرط می‌داند، در قانون مجازات اسلامی مشروط به وجود شرایطی شده است.»

شیرین عبادی در توضیح فلسفه وجودی این ماده قانونی، می‌گوید: «رفتار و منش کودکان در همه نقاط دنیا تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر آموزه‌ها و تربیت والدین آن‌هاست. در بسیاری از خانواده‌های با سطح سواد پایین، آموزش‌ها در زمینه عواقب انجام کارهای خلاف قانون برای کودکان، بسیار ناچیز است. در برخی از آن‌ها متأسفانه امور وجدانی و اخلاقی به دلایل مختلف برای کودکان درونی‌سازی نمی‌شوند. در این شرایط عجیب نیست که فرد بدون اطلاع از عواقب عمل خود، یا تحت تأثیر هیجان‌های زودگذر به جنایت‌هایی از جمله قتل دست بزند. بارها پیش آمده حتی کودکان مرتکب قتل، در بازجویی‌ها و مصاحبه‌ها گفته‌اند ما تنها در پی بازسازی صحنه‌های انیمیشن‌ها و بازی‌های مورد علاقه خود بوده‌ایم و هیچ گاه فکر نمی‌کردیم طرف مقابل، واقعاً جان خود را از دست بدهد.»

این برنده جایزه صلح نوبل استدلال می‌کند که دقیقاً به همین دلیل است که باید حکم اعدام برای تمام محکومانی که جرم‌شان در سن کمتر از ۱۸ سال انجام شده، لغو شود.

به گفته شیرین عبادی، «اشکال دیگر این قانون، شیوه‌های اثبات عدم درک متهم از حرمت جرم ارتكابی در هنگام وقوع آن است.» او در این باره توضیح می‌دهد که «قانون مجازات اسلامی، وظیفه تشخیص این موضوع را بر عهده پزشکی قانونی قرار داده است در حالی که دقیقاً مشخص نیست چگونه باید عدم درک حرمت جرم یا ماهیت

آن را، آن هم در گذشته ثابت کرد. آیا همین اندازه که متهم بگوید من از این موضوعات آگاه نبودم کافی است یا نه؟»

در کنار عوامل بروز اشکال در اجرای رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، شیرین عبادی به موضوع وجود فساد در میان بخشی از قضات دستگاه قضایی نیز اشاره می‌کند.

این فعال حقوق بشر درباره دلایل صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور برای محکومان قطعی به قصاص قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲، تصریح می‌کند: «آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور معمولاً در حکم قانون است و باید تمامی دادگاه‌ها در آن موضوع، از این آراء پیروی کنند؛ کما این که در رأی وحدت رویه مربوط به کاهش مجازات کودکان زیر ۱۸ سال محکوم به قصاص هم آمده که این رأی لازم‌الاتباع است. از دیگر سو هرگاه در سیستم‌های قضایی قانونی به تصویب می‌رسد که مجازات متهمان را نسبت به قبل کاهش می‌دهد، باید قانون جدید برای متهمانی که پیش از تصویب آن محکوم شده‌اند، جاری شود.»

به گفته این وکیل دادگستری، رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۳ یعنی یک سال پس از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید نیز با همین رویکرد صادر شده است که محکومان به قصاصی که پیش از سال ۹۲ حکم قطعی دریافت کرده‌اند، از امکان تجدید نظر خواهی برخوردار شوند.



قانون مجازات اسلامی و بی‌توجهی به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک



فیروزه رمضان‌زاده

با وجود تغییرات اخیر در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در مورد اطفال و نوجوانان، در حال حاضر شمار زیادی از کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال در انتظار اجرای حکم اعدام هستند. براساس مواد مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اطفالی که بالغ شرعی هستند اما زیر ۱۸ سال سن داشته باشند، چنانچه شبهه در کمال عقل و رشد آن‌ها به وجود آید، مشمول قصاص نمی‌شوند.

اما با وجود این تغییرات، آیا قانون جدید آثار مثبتی برای کودکان و نوجوانان متهم به جرائم سنگین، به ویژه قتل، در پی آورده است؟

مجله «حقوق ما» در این زمینه با مهناز پراکند، حقوق‌دان ساکن نروژ، گفت‌وگویی کرده است که در ذیل می‌خوانید:

قانون مجازات اعدام اطفال زیر ۱۸ سال، شامل چه کسانی می‌شود؟

قانونی با عنوان قانون اعدام اطفال زیر ۱۸ سال نداریم. همه اشخاص اعم از کودک و بزرگسال مشمول مقررات قانون مجازات اسلامی هستند. مواردی که شاهد اعدام کودک مجرم در ایران هستیم عمدتاً مربوط به جرایم مستوجب حد و قصاص نفس است.

در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار یکی از شرایط مسئولیت کیفری را بلوغ عنوان کرده است که در کنار عقل و اختیار آمده است. از طرف دیگر در ماده ۱۴۷ سن بلوغ را در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال تمام قمری ذکر کرده است. یعنی بر اساس این قانون دختران از سن کمتر از ۹ سال شمسی و پسران از سن کمتر از ۱۵ سال شمسی دارای مسئولیت کیفری هستند.

قاضی با استفاده از چه امکاناتی سن بلوغ ذهنی را تعیین می‌کند؟

در قانون، بلوغ ذهنی نیامده بلکه رشد و کمال عقلی کودکان

بالغ در ماده ۹۱ قانون مجازات بیان شده است. در تبصره همین ماده آمده که دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند استفاده کند. در واقع قانون‌گذار با آوردن واژه «می‌تواند» در ابتدای این مقرر، دست قاضی را باز گذاشته است که از هر طریق ممکن که خودش مقتضی دانست، برای کشف حقیقت اقدام کند و این‌طور نیست که صرفاً به نظر پزشکی قانونی اکتفا کرده و به استناد آن حکم صادر کند. مهمترین امری که باید در پرونده‌های کیفری، به‌خصوص در مورد اطفال باید در نظر گرفته شود، تشکیل پرونده شخصیت است که فاکتورهای مختلفی را در بر می‌گیرد و همین فاکتورها می‌توانند به قاضی کمک کنند که تا حدی درجه رشد و کمال عقلی مرتکب را در حین ارتکاب جرم تشخیص دهد.

ایرادهای احتمالی این قانون چیست؟

اصلی‌ترین و مهمترین ایراد و ضعف این قانون، بی‌توجهی به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک است. در این کنوانسیون، همه افراد زیر ۱۸ سال کودک قلمداد شده‌اند و اعدام کودک منع شده است. از طرف دیگر قانون‌گذار در همین قانون مجازات در تعیین مجازات‌های جرایم تعزیری و جرایم مشمول حد و قصاص در ارتباط با کودکان دچار تعارض است. در جرایم تعزیری پیش‌بینی شده است که رسیدگی به پرونده کودکان در دادگاه‌های اطفال صورت گیرد ولی در جرایم حدی و قصاص با همان کودک مثل یک فرد بزرگسال برخورد می‌شود.

در جرایم تعزیری به دادگاه اجازه داده شده که با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک بار در رأی خود تجدید نظر کند و مدت نگهداری او را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل کند. اما در مورد همین کودک و نوجوان در جرایم حدی و قصاص، با کودک مجرم همانند بزرگسالان رفتار شده و قاضی هم بعد

از صدور حکم نسبت به کودک محکوم به قصاص یا حد فارغ از هرگونه مسئولیتی شناخته شده است.

در عمل این قانون چطور اجرا می‌شود؟

در عمل می‌بینیم که کودکان مرتکب قتل نه در دادگاه اطفال که در دادگاه‌های کیفری محاکمه و بنا به خواست اولیای دم محکوم می‌شوند که می‌تواند قصاص باشد. ولی برای فرار از پاسخ‌گوئی به سازمان‌های حقوق بشری و مدافع حقوق کودکان و سازمان ملل در مورد اجرای احکام قصاص و سلب حیات از کودک مجرمین، سعی کرده‌اند که اجرای این احکام را تا زمانی که این کودکان به سن بالای ۱۸ سال برسند، به تعویق بیندازند و در این مدت او را در شرایط انتظار و ترس در زندان نگهداری می‌کنند که این رفتار فی‌نفسه می‌تواند از بدترین انواع شکنجه‌ها برای کودک قلمداد شود که تمام عمر کوتاه خود را با کابوس مرگ می‌گذرانند.

آیا این قانون شامل همه است یا به‌طور سلیقه‌ای اعمال می‌شود؟

طبیعی است که قانون شامل همه می‌شود و نباید که سلیقه‌ای اعمال شود. خب استثنائاتی مثل رشوه‌خواری و نفوذ در قوه قضائیه و دادگاه و تحت تأثیر قراردادن قضات و... را نمی‌توان در دادگاه‌ها انکار کرد.

به عنوان یک حقوق‌دان، پیشنهاد شما برای اصلاح ضعف‌های این قانون چیست؟

اگر منظورتان فقط مربوط به این مورد خاص است که به‌نظر من قانون باید در این مورد بازبینی شود و کودک بر اساس تعریفی که کنوانسیون حقوق کودک داده است، تعریف شود که در این صورت افراد زیر ۱۸ سال کودک قلمداد می‌شوند و با آن‌ها نمی‌توان همچون بزرگسالان برخورد کرد. وگرنه کلاً باید مجازات‌های حدود و قصاص از قانون مجازات حذف شوند.



قانون مجازات اسلامی جدید؛

سایه اعدام و قصاص همچنان بر سر نوجوانان



محمد اولیایی فرد

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، براساس تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰، منظور از طفل کسی بود که «به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». همچنین طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.» صدور احکام اعدام برای نوجوانان بالغ شرعی زیر ۱۸ سال بدون توجه به اهلیت جزایی و رشد فکری و صرفاً به استناد رشد جسمی و سن بلوغ شرعی صادر می‌شد. هرچند با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در سن بلوغ شرعی تغییری حاصل نشد، لیکن با تصویب ماده ۹۱ این قانون، بدون اینکه صراحتاً مجازات اعدام نوجوانان حذف شود، شرایط توقف و یا عدم اجرای آن امکان پذیر گردید. ماده ۹۱ مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.» تبصره این ماده نیز بیان می‌دارد: «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.» بنابراین طبق این ماده، اگر دادگاه در رشد و کمال عقل نوجوان بالغ کمتر از ۱۸ سال شبهه داشته باشد یا به نتیجه برسد که نوجوان بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکرده است، اجرای حدود و قصاص ساقط می‌شود.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، بر اساس بند ب ماده ۱۰ همین قانون، برای نوجوانانی که قبل از تصویب این قانون محکوم به اعدام شده‌اند، عطف بما سبق در نظر می‌گیرد. بند ب ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد؛ لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر

به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است، هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را



طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.»

عطف بما سبق شدن ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، بر اساس بند ب ماده ۱۰، برای نوجوانانی که قبل از تصویب این قانون محکوم به اعدام شده‌اند، موجبات تقاضای اعاده دادرسی را نیز برای این دسته از محکومین فراهم می‌کند. صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷ - ۱۱ / ۹ / ۱۳۹۳ هیأت

عمومی دیوان عالی کشور حالا موید همین امر است، در واقع رأی وحدت رویه مذکور با توجه به اختلاف نظر در دو پرونده که هر دو محکوم زمان ارتکاب قتل نوجوان بودند، صادر شد. در اولین پرونده، نوجوانی اهوازی که در قتلی مجرم شناخته و به قصاص محکوم شده بود، درخواست اعاده دادرسی داد. بنا بر محتویات این پرونده، متهم پسری نوجوان بود که در ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود. این پرونده در سال ۱۳۸۰ در دادگاه کیفری استان خوزستان به جریان افتاد و هیأت قضات متهم را با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم کرد و رأی صادره تأیید شد. پسر نوجوان، ۱۲ سال در زندان منتظر اجرای حکم بود تا اینکه ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تصویب رسید و از آن‌جا که در پرونده نوجوان اهوازی، تلاش‌ها برای جلب رضایت اولیای دم به جایی نرسیده بود، وکیل مدافع این نوجوان به استناد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، و بر اساس بند ب ماده ۱۰ همین قانون، درخواست اعاده دادرسی کرد اما شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور این درخواست را رد کرد.

در پرونده‌ای دیگر اما نوجوانی که او هم در استان خوزستان مرتکب قتل شده و بر اساس رأی دادگاه کیفری محکوم شده بود، درخواست اعاده دادرسی کرد تا پرونده‌اش براساس ماده ۹۱ قانون مجازات رسیدگی شود. پرونده پسر نوجوان که در شعبه ۱۶ دادگاه کیفری استان خوزستان رسیدگی و حکم قصاص در شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور نیز تأیید شده بود، این‌بار برای بررسی درخواست اعاده دادرسی به شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور رفت و این شعبه با اعاده دادرسی موافقت کرد.

تفاوت دو نظر شعب دیوان عالی کشور باعث شد برای اعلام نظر واحد در مورد نوجوانان متهم به قتل زیر ۱۸ سال هیأت عمومی دیوان عالی کشور تشکیل جلسه بدهد. در این جلسه سرانجام رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷ - ۱۱ / ۹ / ۱۳۹۳ صادر شد که به موجب آن تمام محکومان به قصاص که زمان قتل زیر ۱۸ سال بودند و قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید به قصاص محکوم شده‌اند، می‌توانند برای رسیدگی مجدد به استناد بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری درخواست اعاده دادرسی بدهند. در این صورت چنانچه ثابت شود آنها زمان ارتکاب قتل ماهیت جرم را درک نمی‌کرده‌اند یا به رشد عقلی نرسیده بودند، حکم قصاص آن‌ها نقض خواهد شد.

در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷ - ۱۱ / ۹ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آمده است:

«نظر به اینکه مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ / ۲ / ۱۳۹۲ با توجه به عبارت صدر ماده

البته از آنجا که جرائم موجب حد افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال نیز در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ پیش‌بینی شده، بنابراین عطف بما سبق شدن ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی بر اساس بند ب ماده ۱۰ همین قانون برای نوجوانانی که قبل از تصویب این قانون به واسطه ارتکاب جرائم موجب حد مانند محاربه یا افساد فی الارض محکوم به اعدام شده‌اند، می‌تواند مستنداً به بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری موجبات تقاضای اعاده دادرسی را نیز برای این دسته از محکومین فراهم نماید، به همین جهت به نظر می‌رسد رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷ - ۱۱ / ۹ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور علاوه بر قصاص به جرائم موجب حد نیز قابل استناد و یا تسری باشد. گرچه امکان دارد دادگاه‌ها در خصوص اعمال واقعی ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نسبت به افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال که تحت آموزش نظامی دست به عملیات و اقدامات مسلحانه علیه حاکمیت می‌زنند، انعطاف کمتری به خرج دهند.

نتیجه این‌که:

هر چند طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۳۷ - ۱۱ / ۹ / ۱۳۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال تمام بوده و احکام قطعی محکومیت آنان قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ / ۲ / ۱۳۹۲ صادر شده، چنانچه مدعی شمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ این قانون باشند به لحاظ اینکه تبدیل و تغییر مجازات در این ماده مآلاً تخفیف مجازات و تعیین کیفر مساعدتر به حال متهم به‌شمار می‌آید، می‌توانند بر اساس بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری درخواست اعاده دادرسی نمایند. اما درخواست اعاده دادرسی با استناد به رأی وحدت رویه مذکور به معنای قبول درخواست اعاده دادرسی نیست و ممکن است رأی قبلی مبنی بر قصاص مجدداً ابرام و تأیید شود زیرا در قانون مجازات اسلامی جدید همچنان اصل بر اجرای حد و قصاص نوجوانان است. در واقع طبق قانون مجازات اسلامی جدید، نوجوانان به واسطه ارتکاب جرائم موجب حد مانند محاربه، افساد فی الارض و بغی همچنان محکوم به اعدام شده و صورت ارتکاب جنایت، قصاص می‌شوند مگر اینکه مطابق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در جرائم موجب حد یا قصاص، از نظر دادگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه (نه قطعیت) وجود داشته باشد، در این صورت است که اجرای حدود و قصاص از آن‌ها ساقط می‌شود.

از جرایم حدود و قصاص انصراف دارد و اختیارات پیش‌بینی شده برای قاضی اجرای احکام در مورد درخواست اصلاح حکم و یا حق مراجعه محکوم‌علیه به دادگاه برای تخفیف مجازات به نحوی که در بند مذکور مقرر شده است با بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مغایرتی نداشته و آن را نسخ ننموده است؛ لذا محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام بوده و احکام قطعی محکومیت آنان قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ / ۲ / ۱۳۹۲ صادر شده، چنانچه مدعی شمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ این قانون باشند به لحاظ اینکه تبدیل و تغییر مجازات به ترتیب مذکور در این ماده مآلاً تخفیف مجازات و تعیین کیفر مساعدتر به حال متهم به‌شمار می‌آید، می‌توانند بر اساس بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی مذکور در فوق درخواست اعاده دادرسی نمایند. بنا به مراتب رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

بنابراین از نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور، از آنجا که بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات جدید که در آن عنوان شده «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند» با بند ۷ ماده ۲۷۲ آیین دادرسی که در آن عنوان شده «در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد» مغایرتی ندارد و محکوم می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید. لذا از نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور، محکومان به قصاص نفس که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال تمام بوده و احکام قطعی محکومیت آنان قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ / ۲ / ۱۳۹۲ صادر شده، چنانچه مدعی شمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ این قانون باشند به لحاظ اینکه تبدیل و تغییر مجازات به ترتیب مذکور در این ماده مآلاً تخفیف مجازات و تعیین کیفر مساعدتر به حال متهم به‌شمار می‌آید، می‌توانند بر اساس بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری درخواست اعاده دادرسی نمایند.



فیروزه رمضان زاده

در پی اعتراض‌های گسترده از سوی حقوق‌دانان و نهادهای حقوق بشری به اعدام افرادی که هنگام وقوع جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تدابیری پیش‌بینی شدند تا دست قاضی برای صدور احکامی به جز اعدام برای این نوجوانان، بازتر باشد. مجله «حقوق ما» برای بررسی این مواد قانونی، با نعمت احمدی، حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری ساکن تهران گفتگو کرده است که در ادامه می‌خوانید:

این قانون شامل چه کسانی می‌شود و قاضی با استفاده از چه امکاناتی سن بلوغ ذهنی را تعیین می‌کند؟
 نعمت احمدی: «قانون اخیر آیین دادرسی کیفری، یک رویکرد

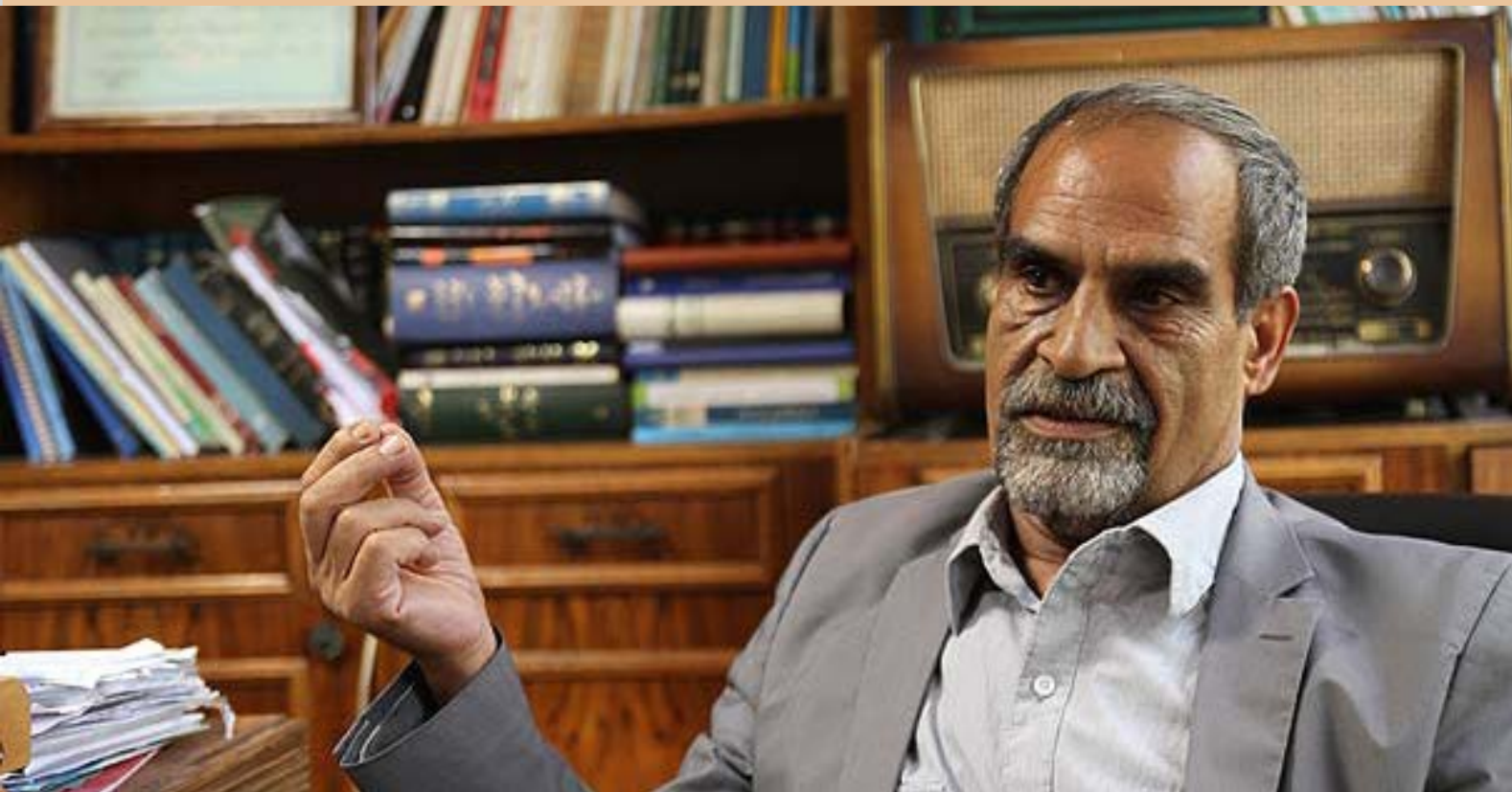
نعمت احمدی:

تجربه قضات دیوان عالی، دلگرمی ماست

به شدت مثبتی به موضوع سن بلوغ جسمی دارد، یعنی آن سن بلوغی که ما به عنوان سن شرعی در نظر می‌گرفتیم، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری تغییر داده شده و طفل را تا ۱۸ سال معرفی کرده است؛ منتها در مورد مجازات‌ها مثل همه دنیا عمل می‌کند. مثلاً شما در امریکا فردی متهم اگر ۱۶ یا ۱۷ سال داشته باشد از پزشکی قانونی سوال می‌کنند که آیا آن بلوغ را دارد یا ندارد؟ در ایران، برابر قانون جدید، سن مسوولیت کیفری در جرایم معمولی همان ۱۸ سال تعیین شد، اما در جرایم مهم مثل قتل یا امثال آن، یک: از پزشکی قانونی سوال می‌شود و دو: میزان بلوغ عقلی و جسمی فرد را تعیین می‌کنند، بنابراین قانون در این زمینه پیشرفت زیادی داشته است.»

اگر نوجوانی مثلاً در ۱۳ سالگی مرتکب قتل شود، دستگاه قضایی معمولاً اجرای حکم اعدام را به رسیدن نوجوان به سن ۱۸ سالگی یا بعد از این سن موکول می‌کند.

نعمت احمدی: «نه! ببینید، اصلاً بحث این نیست. متأسفانه بحث غلطی است که متداول شده و برخی تصور می‌کنند اگر کسی در ۱۶ سالگی جرمی مثل قتل مرتکب شد، صبر می‌کنند تا به ۱۸ سالگی برسد تا مجازات برای او اجرا شود.



دیوان عالی کشور، باید در مرحله دوم حداقل به پرونده رسیدگی ماهیتی بکند درحالی که در یک مرحله رسیدگی می‌کنند، پنج قاضی می‌نشینند و به موضوع رسیدگی می‌کنند، هیأت منصفه هم نداریم.

وقتی به دیوان عالی کشور می‌آید رسیدگی بدون حضور اصحاب دعوا است و عملاً در مرحله تجدید نظر، حق دفاع از متهم سلب می‌شود.»

آیا این نوع شیوه رسیدگی شامل همه می‌شود یا به طور سلیقه‌ای اعمال می‌شود؟

نعمت احمدی: «بله شامل همه می‌شود. اصولاً پرونده‌های حبس ۱۰ - ۱۵ سال به بالا یا ابد و اعدام، در دادگاه کیفری یک استان رسیدگی می‌شود که به باور من این رسیدگی ناقص است. سال‌هاست از ابتدای انقلاب به همین صورت بوده است. درحالی که اصل ۱۶۱ قانون اساسی یک تعریفی از دیوان عالی کشور کرده، این که دیوان عالی کشور مرجع رسیدگی تمیز است؛ یعنی آیا تشریفات قانونی رأیی که قبلاً صادر شده به درستی انجام شده است یا خیر؟»

به عنوان یک حقوق‌دان، پیشنهاد شما برای برطرف کردن این ضعف‌ها چیست؟

نعمت احمدی: «با تأسف، دیوان عالی کشور آن جایگاهی را که مطابق با اصل ۱۶۱ قانون باشد، ندارد و اگر نقدی بر رسیدگی پرونده‌ها باشد، چه اطفال باشند چه جوانان باشند و چه پیرمردان، این نقص برمی‌گردد به نوع نگاهی که از نظر تشکیلات قضایی در سازمان قضایی وجود دارد، یعنی پرونده‌هایی که مجازات حبس از ۱۰ سال به بالا هستند عملاً تک مرحله‌ای می‌شوند و مجازات‌هایی که از ده سال کمتر باشند دو مرحله‌ای می‌شوند، یعنی دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کنند و مرجع تجدید نظرشان دادگاه کیفری یک است.

رسیدگی در دادگاه کیفری یک هم با حضور اصحاب دعوا صورت می‌گیرد اما در دیوان عالی کشور رسیدگی با حضور اصحاب دعوا انجام نمی‌شود و این یک ضعف است.

اما تنها امید و پشتوانه‌ای که ما داریم این است که همه قضات دیوان عالی کشور بیش از ۲۰ سال سابقه قضایی دارند. در هر شعبه، سه تا قاضی و یک عضو ممیز، یک رییس و در مجموع یک هیأت قضایی هستند، اول یک گزارشی تهیه و گزارش در هیأت قرائت می‌شود.

بنابراین تنها پشتوانه و دلگرمی ما اینجاست که قضات دیوان عالی کشور از یک تجربه خوبی برخوردار هستند. در غیر این صورت، اگر آنها این تجربه را هم نداشتند... با تأسف این شیوه رسیدگی راهی به نتیجه نمی‌برد.»

اصولاً سیر طبیعی بررسی پرونده قتل، طولانی است، در دادرسی معمولی، سه-چهار سال طول می‌کشد تا به استیذان برسد، این پروسه در برخی کشورها طولانی‌تر و در برخی کشورها کمتر است.

در ایران هم وقتی که یک قتلی اتفاق می‌افتد، مهم نیست آن فرد، کودک باشد یا نوجوان یا فردی کامل. یک فرایند زمانی طول می‌کشد تا پرونده به رسیدگی برسد و حکم، بخواهد قطعی و لازم اجرا شود.

این موضوع متأسفانه این‌گونه بازخورد بیرونی داشته است که قتل در زیر سنین ۱۸ سالگی رخ می‌دهد و صبر می‌کنند تا فرد به ۱۸ سالگی یا بالاتر برسد. به آن خاطر صبر نمی‌کنند! بلکه زمان رسیدگی به پرونده تا قطعیت و اجرای حکم، علی‌الاصول، سه چهار سال طول می‌کشد.

ما یکی از مواردی که در اجرای احکام قتل داریم مسأله «استیذان» است. یعنی همه مراحل که طی شد، در نهایت یک اذنی از رییس قوه قضاییه باید بگیرند که به آن «استیذان» می‌گویند و این استیذان، فرایند زمانی طولانی دارد، پس ابتدا این ابهام را حل کنیم: این که می‌بینید یک فردی در ۱۴ یا ۱۵ سالگی، قتلی انجام می‌دهد و اعدامش در ۲۰ سالگی انجام می‌شود، نه به این خاطر است که صبر می‌کنند تا ۱۸ سالگی‌اش تمام شود تا اعدام کنند، بلکه زمان رسیدگی به پرونده آن‌قدر طول می‌کشد.»

ضعف‌های دیگر قانون چیست؟ در عمل این قانون چطور انجام می‌شود؟ آیا انتظاری که قانون از قانون‌گذار داشته، تأمین می‌شود؟

نعمت احمدی: «قانون ضعف ندارد، اجرا و اعمالش، یعنی نوع نگاه خاصی که سیستم قضایی ما دارد، مشکل دارد. به طوری که قضات، متأسفانه آن دقتی که باید داشته باشند در پرونده های قتل ندارند.

ببینید! رسیدگی به پرونده‌های قتل در دادگاه کیفری صورت می‌گیرد و مرحله تجدید نظرش هم در دیوان عالی کشور انجام می‌شود.

اما دیوان عالی کشور، رسیدگی ماهیتی نمی‌کند و عملاً می‌بینیم مثلاً اگر یک پرونده کلاهبرداری یا جعل باشد، بستگی به مجازاتش دارد. این پرونده‌ها اگر در دادگاه کیفری دو رسیدگی شوند تجدید نظرشان در دادگاه کیفری یک انجام می‌شود. اما اگر پرونده قتل باشد، در دادگاه کیفری یک رسیدگی و تجدید نظرش در دیوان عالی کشور انجام می‌شود. دیوان عالی کشور هم رسیدگی شکلی دارد. یعنی اصحاب و طرفین دعوا را دعوت نمی‌کنند و این از نظر من به عنوان یک معلم رشته حقوق، یک اشکالی است. این سیستم نه در این مورد، بلکه در همه موارد متفاوت است.



۱

به ملاقاتم نیا

شیشه‌ها شیون می‌کنند

زندان حبس می‌شود

تا اعدام تقاص بدهد

به ملاقاتم نیا

من تکرر آینه‌ام

من لیلی بیابان‌های وحشی‌ام

مجنون

آوارگی‌ام را وجب می‌زند

به ملاقاتم نیا

سیاه‌پوشی هستم

که سپیدی را فتح کرده‌ام

اما تو به ملاقاتم نیا

بگذار

وقت ملاقات

دیگر کسی را صدا نزند

سه شعر از

مهتاب خرمشاهی

۲

سیگار من، فریاد یک اعتراض

در قلب میله‌های یک زندانی

به وقت شب طوفانی و طوفان یک شب

سیگار من، التماس دست‌ها

به قفل‌های دستبند

دست‌ها بخشنده و دستبندها بخیل

سیگار من، به قدمت تاریخ قلب و جغرافیای عشقم

سیگار من، نوازش و بوسه‌ها بر شرم

ای سیگار من!

مرا ببر

به قعر سیاهچال‌های مخوف اعتصاب

مرا ببر به پای دار اعدام

مرا ببر به ملاقات آزادی

۳

نشسته بر فراز

نگاه می‌کند

به دشت سوخته

زنی پا به ماه

لالایی را در گورستان فریاد می‌زند

و مرد کفش‌هایش راه رفتن را از یاد برده‌اند

دل دشت خون است

چشمانش کور

و دستانش از هر سو صلیب

کودک نمی‌دانست چرا گندم نان نمی‌دهد

نمی‌دانست چرا آفتابگردان از آفتاب بیزار است

و نمی‌دانست آب چرا از تشنگی می‌میرد

اما او نشسته بر فراز

پشت می‌کند

به دشتی که دیگر سوخته است

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

